

Designing and testing a model of some antecedents and outcomes of marital satisfaction and love

Received: 2017-06-02

Accepted: 2018-08-03

Ali Khalafi

PhD Candidate of Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz

Kiomars Beshlideh

Professor, Department of Industrial & Organizational Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz

Nasrin Arshadi

narshadi@scu.ac.ir

Associate Professor, Department of Industrial & Organizational Psychology, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz (**Corresponding Author**)

Mansour Soodani

Associate Professor, Shahid Chamran University of Ahvaz

Abstract

The purpose of this study was designing and testing a model of some antecedents and outcomes of marital satisfaction and love. The statistical population included all married employees of four districts of Education Organization in Ahvaz City. From this population 420 employees selected by multistage random sampling method. Instrument included Marital Satisfaction by Blum & Mehrabian, Love by Hatfield & Rapson, Gender Role Attitudes by Kaufman, Perceived Beauty (researcher-made), Value Congruency (researcher-made), Personality by Taylor & Johnson, Marital Intimacy Needs by Bagarozzi, and Satisfaction with Life by Diener et al., and Job Satisfaction by Judge and Bono. The proposed model analyzed through structural equation modeling (SEM) and using SPSS-22 and AMOS-22 software packages. Results indicated that the proposed model fitted the data relatively proper. Better fit and more meaningful results were obtained by omitting 4 non-significant paths (perceived beauty and traditional gender role attitudes to love, egalitarian gender role attitudes to marital satisfaction and love) and correlating the errors of 3 paths (job satisfaction and satisfaction with life, recreational intimacy and general intimacy, recreational intimacy and love). Findings also confirmed the meditating role of intimacy in the relationships of perceived beauty, congruence of value system, gender role attitudes, contrary of fundamental personality traits, similarity of central personality traits with marital satisfaction and love. According to the findings, considering both marital satisfaction and love variables in couple therapy recommended to counselors and psychologist.

Key words: *perceived beauty, value congruence, gender role attitude, marital satisfaction, love, satisfaction with life*

citation

Khalafi, A., Beshlideh, K., Arshadi, N & Soodani, M. (2018). Designing and testing a model of some antecedents and outcomes of marital satisfaction and love. *Family Counseling and Psychotherapy*, 1, 3- 26.

طراحی و آزمودن الگویی از برخی پیشایندها و پیامدهای رضایت زناشویی و عشق

پذیرش: ۱۳۹۷-۰۵-۱۲

دریافت: ۱۳۹۵-۱۱-۱۸

دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز	علی خلفی
استاد گروه روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، دانشگاه شهید چمران اهواز	کیومرث بشلیده
دانشیار گروه روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)	نسرین ارشدی narshadi@scu.ac.ir
دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز	منصور سودانی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی و آزمودن الگویی از برخی پیشایندها و پیامدهای رضایت زناشویی و عشق انجام شد. جامعه آماری شامل همه کارکنان متأهل نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهرستان اهواز بود که از میان آن‌ها ۴۲۰ نفر به شکل نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای مورداستفاده شامل رضایت زناشویی بلوم و محرابیان، عشق هاتفیلد و راپسون، نگرش‌های نقش جنسیتی کافمن، زیبایی ادراک‌شده (پژوهشگر ساخته)، هماهنگی ارزشی (پژوهشگر ساخته)، شخصیت (تیلور و جانسون، نیازهای صمیمیت زناشویی باگاروزی، رضایت از زندگی داینر، ایمونس، لارسن و گریفین، و رضایت شغلی جاج و بونو بودند. تحلیل داده‌های پژوهش با به‌کارگیری روش الگویابی معادلات ساختاری و نرم‌افزارهای SPSS ویراست ۲۲ و AMOS ویراست ۲۲ انجام گرفت. برآیندها نشان دادند که الگوی پیشنهادی از برازش کمابیش خوبی با داده‌ها برخوردار است. برازش بهتر از راه حذف ۴ مسیر غیر معنی‌دار (زیبایی ادراک‌شده و نگرش نقش جنسیتی سنتی به عشق، نگرش نقش جنسیتی برابری‌خواه به رضایت زناشویی و عشق) و همبسته کردن خطاهای ۳ مسیر (رضایت شغلی و رضایت از زندگی، صمیمیت تفریحی و صمیمیت عمومی، صمیمیت تفریحی و عشق) حاصل شد. یافته‌ها همچنین نقش واسطه‌ای صمیمیت را در رابطه میان زیبایی ادراک‌شده، همسانی نظام ارزشی، نگرش‌های نقش جنسیتی، ناهمسانی ویژگی‌های شخصیتی بنیادی و همسانی صفات مرکزی با رضایت زناشویی و عشق مورد تأیید قرار دادند. با توجه به یافته‌های پژوهش به مشاوران و روان‌شناسان پیشنهاد می‌شود هر دو متغیر رضایت زناشویی و عشق را در ارتباط با زوج‌درمانی موردتوجه قرار دهند.

واژگان کلیدی: زیبایی ادراک‌شده، هماهنگی ارزشی، نگرش نقش جنسیتی، رضایت زناشویی، عشق، رضایت از زندگی

خلفی، علی؛ بشلیده، کیومرث؛ ارشدی، نسرین و سودانی، منصور. (۱۳۹۷). طراحی و آزمودن الگویی از برخی پیشایندها و پیامدهای رضایت زناشویی و عشق. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱، ۲۶-۳.

ارجاع

مقدمه

خانواده مهم‌ترین نهاد تشکیل‌دهنده جامعه است که خصوصیات فردی، اجتماعی، اخلاقی، مسئولیت‌پذیری، توانمندی و اعتماد در آن رشد و پرورش می‌یابد. عشق و رضایت زوجین از زندگی زناشویی زمینه‌هایی هستند که بی‌تردید در چگونگی رشد و بالندگی خانواده و افراد جامعه مؤثرند. رضایت از زندگی زناشویی به منزله رضایت از خانواده انگاشته می‌شود و رضایت از خانواده از مؤلفه‌های برجسته رضایت از زندگی بوده و مایه آسان کردن تحول مادی و معنوی جامعه است (Wanic & Kulik, 2011 به نقل از آراین فر و رسولی، ۱۳۹۶). رضایت زناشویی به صورت مستقیم و غیرمستقیم با پایدار بودن خانواده و کیفیت بهتر زندگی همبستگی دارد ولی نبود آن به تنیدگی، اضطراب و حتی برچیدگی خانواده منجر می‌شود (Hackelford, Besser, & Goetz, 2008 به نقل از آراین فر و رسولی، ۱۳۹۶).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نارضایتی زناشویی^۱ از عوامل برجسته جدایی زوجین به حساب می‌آید (مرتضوی، بخشایش، فاتحی زاده و امامی نیا، ۱۳۹۲). بی‌شک عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی و عشق بسیار فراوانند. از میان این عوامل به عوامل فردی بیشتر توجه شده است، چراکه با اندک توجهی می‌توان شاهد موفقیت زوج‌هایی بود که علی‌رغم نامساعد بودن شرایط و موقعیت‌ها، از زندگی خود لذت می‌برند و از آن رضایت دارند و افرادی را هم می‌توان دید که با وجود موقعیت‌ها و شرایط خوب، از ازدواج خود احساس رضایت نمی‌کنند. درواقع، موضوع رضایت زناشویی و عشق را می‌بایست بیشتر در میان عواملی به‌غیر از عوامل مادی و موقعیتی جستجو کرد. اکثر پژوهش‌های کاربردی در این زمینه به دنبال بررسی عوامل فردی هستند (Heller, Watson, & Hies, 2004).

متغیرهای رضایت زناشویی و عشق هرچند که یکسان تصور می‌شوند ولی درواقع دو متغیر مستقل از هم هستند که دراین ارتباط می‌توان به پژوهش حفاظتی (۱۳۸۵) اشاره کرد. عشق یک واکنش هیجانی است که به اندازه خشم، اندوه، خوشحالی و ترس اساسی است (Shiver, Morgan, & Wau, 1996 به نقل از بارون و بیرن، ۲۰۰۶، ترجمه کریمی، ۱۳۹۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عشق و دل‌بستگی و نیروی جنسی از نظر عصب‌شناختی با هم ناهمسانی دارند (ترجمه جواهری و تاجیک، ۱۳۹۱). برخی از روانشناسان معتقدند که عشق برای افزایش خودکارآمدی و عزت‌نفس مفید است. درواقع عشق بیش از یک دوستی نزدیک و چیزی بیش از صرفاً گرایش جنسی به شخص دیگر است (Diamond, 2004). زیبایی افراد یکی از عواملی است که شانس برقراری ارتباط، جلب توجه، حمایت و قضاوت دیگران را تعیین می‌کند (Farina, 1977 به نقل از اربور و اربور، ۲۰۱۱، ترجمه جواهری و تاجیک، ۱۳۹۱). روانشناسان برای دلیل وجودی این متغیر در پژوهش‌ها، تبیین‌های متفاوتی ارائه داده‌اند (بارون و بیرن، ۲۰۰۶، ترجمه کریمی، ۱۳۹۵). یکی از موفق‌ترین تبیین‌ها، تبیین‌های روانشناسان تکاملی است که معتقدند میان انتخاب افراد (و تمایل آن‌ها به انتخاب افراد

زیبا) و موفقیت در زندگی رابطه وجود دارد. یکی از پژوهش‌هایی که مؤید این نظریه است، پژوهش Zebrowitz & Rhodes (2004) است. وی دریافت که میان جذابیت افراد با سلامت و هوش آن‌ها رابطه وجود دارد. Sigel & Landy (1973)، Dion, Berscheid, & Walster (1972) و Zebrowitz & Rhodes (2004) زیبایی را شاخصی از قوای عقلانی می‌دانند. پژوهش‌ها همچنین نشان می‌دهند که زیبایی یکی از عوامل مؤثر بر صمیمیت جنسی است و در واقع میان زیبایی و صمیمیت (جنسی) که یکی از ارکان عشق است، رابطه وجود دارد (Meltzer & McNulty, 2010). برخی از پژوهش‌ها به دنبال شناسایی عوامل زیبایی در افراد بوده‌اند (Ectoff, Hinsz, Matz, & Patience, 2001) به نقل از بارون و بیرن، ۲۰۰۶ ترجمه کریمی، ۱۳۹۵). البته این پژوهش‌ها عموماً فرهنگ بسته هستند به این معنا که ملاک‌های استخراج شده در یک فرهنگ متفاوت با فرهنگ دیگر می‌باشند (به‌عنوان مثال گونه‌های برجسته به‌عنوان یک شناسه زیبایی برای زنان در آمریکا تلقی می‌شود در صورتی که در کشور ما ممکن است به‌عنوان ملاک عدم ظرافت تلقی شود). علی‌رغم اهمیت این متغیر، اکثر مردم و حتی پژوهشگران در مورد زیبایی با ابراز این که زیبایی نسبی است به این متغیر کم توجهی می‌کنند. دلیل پیچیدگی این متغیر تنوع انسان‌ها، تفاوت‌های فرهنگی و متغیر بودن نگرش‌های تأثیرگذار بر ادراک جذابیت است. با وجود همه این پیچیدگی‌ها این متغیر در همه فرهنگ‌ها به‌عنوان یک ملاک در انتخاب همسر و عامل ایجاد رضایت‌مندی در افراد به شمار می‌رود (نشاطی و خلفی، ۱۳۹۴). لذا با توجه به نسبی بودن ملاک‌های زیبایی، زیبایی موردنظر در این پژوهش ادراک فرد از زیبایی طرف مقابل است نه ملاک‌های مطلق تعیین شده. از دیگر متغیرهایی که توجه پژوهش‌های بسیاری را به خود جلب کرده این است که آیا افراد متضاد همدیگر را جذب می‌کنند یا مشابه‌ها بهتر باهم کنار می‌آیند. پژوهش‌های بسیاری مؤید نظریه مشابهت‌هاست. برای مثال ما بیشتر آن‌هایی را دوست داریم که از نظر سنی (Skeen, Rogoff, & Ellis, 1981) مذهب و نژاد (Kandel, 1978) تجربه هیجان (Rosenblatt & Greenberg, 1988) حس شوخ‌طبعی و هوش (Lewak, Wakefield, & Briggs, 1985) به ما شبیه هستند؛ اما پژوهش‌های دیگر نشان داده‌اند ما افراد شبیه را بیشتر در موقعیت‌های تعاملی غیرواقعی مثل آزمایشگاه و روابط کوتاه‌مدت، ترجیح می‌دهیم (Mccarthy & Duck, 1976) و در موقعیت‌های واقعی و در روابط بلندمدت افرادی که از نظر نگرشی همسان ما نیستند را ترجیح می‌دهیم (Gormly, 1979) به نقل از اربور و اربور، ۲۰۱۱، ترجمه جواهری و تاجیک، ۱۳۹۱). همچنین پژوهش‌های Markey, Funder, & Ozer (2003) نشان دادند که مکمل بودن گاهی در موقعیت‌های خاص می‌تواند جاذبه ایجاد کند (بارون و بیرن، ۲۰۰۶، ترجمه کریمی، ۱۳۹۵).

با توجه به اینکه برای هر دو نظریه شواهد مؤید و نیز مخالف وجود دارد، به نظر می‌رسد که نوع ویژگی‌های شخصیتی هم می‌تواند در تبیین رابطه نقش داشته باشند، با توجه به بازنگری Winch (1985) به نقل از اربور و اربور، ۲۰۱۱، ترجمه جواهری و تاجیک، ۱۳۹۱) در خصوص آزمودن دو نظریه همسان همسری و

ناهمسانی همسری (جذب متضادها) و اذعان خود وی در مورد عدم انتخاب ویژگی‌های مناسب برای آزمودن دو نظریه (نیازهای آشکار موری را در نظر گرفته بود)، پژوهش حاضر صفات مناسب‌تری را برای آزمودن دو نظریه مدنظر داشت. به این ترتیب که صفات بنیادی یا اصلی (صفتی که در فرد وجود دارند و فرد از آن‌ها آگاه نیست ولی رفتارهای او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در واقع انگیزه‌های مسلط فرد هستند) برای آزمون نظریه متضادها (نظریه مکمل) استفاده شد. به عبارت دقیق‌تر افراد برای یک صفت بنیادی خود تمایل به انتخاب یک فرد با صفت متفاوت یا مکمل دارند مانند نیاز شدید به قدرت که نیاز به یک فرد سلطه‌پذیر دارد؛ به عبارت دیگر یک فرد سلطه‌جو بیشتر به یک فرد سلطه‌پذیر علاقه‌مند می‌شود. در مقابل، صفات مرکزی و ثانویه تمایل به جذب مشابه‌ها دارند. برای آزمودن نظریه مشابهت از صفات مرکزی استفاده شد؛ به عبارت دیگر افراد دارای این گونه صفات افرادی را ترجیح می‌دهند که شبیه خودشان باشند. صفات مرکزی صفتی هستند که به هنگام توصیف دیگران به آن‌ها اشاره می‌شود، مانند هم‌حسی داشتن، آرام بودن، فعال بودن، اجتماعی بودن، صداقت، مهربانی، هوش بالا، بی‌ریا بودن و بلندپروازی (Allport, 1961) به نقل از Ryckman, Jiang, Li, Bartlett, Haines, & Williams, 2008). هماهنگی نظام ارزشی از دیگر متغیرهایی است که در الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر جهت پیش‌بینی رضایت زناشویی و عشق استفاده شد. این متغیر با عنوان تشابهات هویتی در پژوهش‌های رضایت زناشویی مطرح می‌شود. منظور از هماهنگی نظام ارزشی این است که دو فرد دارای نگاه یکسان ارزشی و نگرشی به زندگی باشند. به عنوان مثال آیا هر دو فرد نگاه اقتصادی به زندگی دارند؟ آیا هر دو به شخصیت‌های سیاسی علاقه دارند؟ آیا دو فرد گرایش‌های مذهبی مشابهی دارند؟ هماهنگی ارزشی در نظریه محرک-ارزش-نقش^۱ مورد توجه بوده است. این نظریه بیان می‌دارد انتخاب همسر با محرک‌هایی مثل زیبایی، برانگیختگی و توجه آغاز می‌شود و سپس مرحله مطابقت ارزش‌ها صورت می‌گیرد، به این معنی که فرد ارزش‌ها و نگرش‌های خود را مورد واریسی قرار می‌دهد که چنانچه ارزش‌ها در دو فرد مشابهت داشته باشند، مرحله نهایی بررسی نقش‌ها مطرح می‌شود (Murstein, 1970). پژوهش‌های بسیاری بر همسانی نظام ارزشی زوجین به عنوان یک عامل مهم در پیش‌بینی رضایت زناشویی تأکید کرده‌اند. در این ارتباط می‌توان به پژوهش‌های Pearson & Lee (1903)، Terman & Buttenweiser (1935) اشاره کرد (بارون و بیرن ۲۰۰۶، ترجمه کریمی، ۱۳۹۵). از طرف دیگر، همسانی افراد در طول زمان افزایش می‌یابد (Caspi, Herbener, & Ozer, 1992). موضوع جالب‌تر آنکه افرادی که رضایت زناشویی بالایی دارند، معتقدند که بیشتر از آنچه فکر می‌کنند به هم شبیه‌اند که اصطلاحاً به آن همسانی فرضی گفته می‌شود (Shool & Winokor, 2000) به نقل از بارون و بیرن ۲۰۰۶، ترجمه کریمی، ۱۳۹۵). یکی دیگر از متغیرهایی که با دیگر متغیرهای مؤثر بر عشق و رضایت زناشویی به شکل پیچیده‌ای همکاری دارد نگرش‌های

نقش جنسیتی^۱ است. دو نوع نگرش در متون روانشناسی بیشتر مورد توجه بوده‌اند. نگرش‌های سنتی^۲ و نگرش‌های برابری خواه^۳ یا همسان همسری. نگرش‌های سنتی در ازدواج‌هایی مطرح است که تقسیم‌بندی آشکاری میان نقش‌های زن و شوهر وجود دارد. مردان تأمین مالی خانواده را به عهده دارند و زن خود را وقف مراقبت از همسر و فرزندان می‌کند. به‌رغم پیشرفت‌ها در زمینه حقوق زنان این نوع ازدواج در اروپا نیز وجود دارد (Brek, 2001 ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۵). در ازدواج‌هایی که بر پایه نگرش‌های برابری خواه صورت می‌گیرند، قدرت و اختیار تقسیم شده است. همسران در این نوع ازدواج‌ها، افراد تحصیل کرده و شاغل هستند و هر دو، وقت و انرژی خود را صرف کار و مراقبت از فرزندان و روابطشان می‌کنند (Starlez, 1994 به نقل از برک، ۲۰۰۱، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۵).

تمام متغیرهای پیش‌بین در پژوهش حاضر از راه صمیمیت بر عشق و رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارند. صمیمیت عبارت است از نزدیکی، همسانی و یک رابطه شخصی عاشقانه یا هیجانی با شخص دیگر که مستلزم درک عمیق از فرد مقابل به‌منظور بیان افکار و احساساتی است که به‌عنوان منشأ همسانی و نزدیکی به کار می‌رود (Bagarozzi, 2001). علت این که صمیمیت در این پژوهش جداگانه مطرح شده است (و نه به‌عنوان مؤلفه عشق یا رضایت زناشویی) این است که این متغیر در موقعیت غیر خانوادگی می‌تواند وجود داشته باشد، به این معنا که می‌توان صمیمیت بدون عشق و بدون رضایت زناشویی را هم در روابط میان فردی مشاهده کرد.

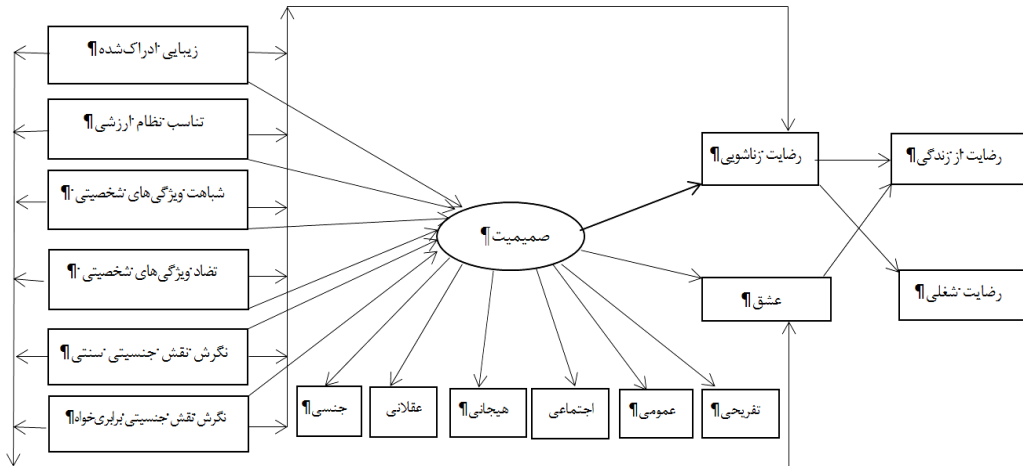
یکی از متغیرهای اصلی در این پژوهش عشق و دلدادگی است. عشق از دید Sternberg (1986) دارای سه مؤلفه است: صمیمیت، یعنی نزدیکی که دو فرد نسبت به یکدیگر احساس می‌کنند و پیوندی که آن دو را باهم نگاه می‌دارد. مؤلفه دوم اشتیاق (شهوت) است که مبتنی بر دلدادگی، جاذبه جسمی و میل جنسی است. سومین جزء عشق، تعهد است که نماینده عوامل شناختی است و نشان‌دهنده تعهد به حفظ رابطه بر یک مبنای دائمی است (بارون و بیرن، ۲۰۰۶، ترجمه کریمی، ۱۳۹۵). پیامدهای عشق و رضایت زناشویی نیز بسیارند، اما در این پژوهش دو پیامد که به نظر از همه مهم‌ترند، در نظر گرفته شده‌اند، رضایت از زندگی و رضایت از شغل. رضایت زناشویی و عشق می‌توانند زمینه‌ساز رضایت فرد از زندگی و کار وی شوند. اگر افراد از زندگی خود رضایت داشته باشند این رضایت می‌تواند به محیط کار منتقل شود. از طرف دیگر، اگر از زندگی زناشویی خود رضایت نداشته باشند ممکن است به‌عنوان تعارض با کار سبب نارضایتی فرد از کارش بشود. در این خصوص می‌توان به پژوهش Kossek (1998) اشاره نمود. با توجه به مطالب مذکور و پژوهش‌های در زمینه رابطه ویژگی‌های شخصیتی (متضاد و همسان) با رضایت زناشویی و عشق و نیز خلأ موجود در پژوهش‌های مربوط به زیبایی ادراک شده (فرهنگ بسته بودن آنان) و نگرش‌های نقش جنسیتی و از طرف دیگر نبود الگویی منسجم که پیشایندهای رضایت

1. gender role attitudes

2. traditional gender role attitudes

3. egalitarian gender role attitudes

زناشویی و عشق را در کنار هم آزمون کند، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا الگوی پیشنهادی با عنوان طراحی و آزمون الگویی از برخی پیشایندها (زیبایی ادراک شده، همسانی نظام ارزشی، نگرش های نقش جنسیتی ناهمسانی ویژگی های شخصیتی بنیادی و همسانی صفات مرکزی) و پیامدهای عشق و رضایت زناشویی (رضایت از زندگی و رضایت شغلی) برازنده داده های پژوهش است. شکل (۱) الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر را نشان می دهد.



شکل ۱. الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر، یک طرح همبستگی است که با استفاده از روش الگویابی معادلات ساختاری^۱ درصد بررسی هم زمان روابط میان متغیرهای پژوهش در قالب یک الگو است. در روش الگویابی معادلات ساختاری که در واقع بسط مدل های خطی کلی^۲ است، مجموعه ای از معادلات رگرسیون که به صورت هم زمان بررسی می شود (به نقل از ارشدی، ۱۳۸۶).

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل همه کارکنان متأهل (معلمان و کارکنان اداری) نواحی چهارگانه آموزش و پرورش اهواز بود (بالغ بر ۱۹۰۰۰ نفر). با توجه به این که ۲۰ پارامتر (خط) در الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت، به ازای هر پارامتر حدود بیست نفر در نظر گرفته شد (به نقل از بشلیده، ۱۳۹۱). در نتیجه، ۴۲۰ نفر با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی چندمرحله ای انتخاب شدند، به این صورت که ابتدا از میان چهار ناحیه آموزش و پرورش در شهرستان اهواز، دو ناحیه انتخاب و سپس از میان چند مدرسه و در هر مدرسه به نسبت تعداد افراد، افرادی به صورت تصادفی برای آزمون فرضیه های پژوهش انتخاب شدند. شرط

1. Structural Equation Modeling (SEM)

2. Generalized Linear Model (GLM)

ورود آزمونی‌ها به نمونه، متأهل بودن افراد (هر دو جنس) و مدت زمان ازدواج کمتر از ۳۰ سال بود. همچنین، نمونه‌ای شامل ۲۰۰ نفر نیز برای اعتباریابی پرسشنامه‌های مورداستفاده در پژوهش انتخاب شدند. از میان پرسشنامه‌های مرحله فرضیه آزمایی، تعداد ۳۸۴ پرسشنامه برگشت داده شدند (نرخ بازگشت ۹۱/۴۳ درصد). در این نمونه ۵۱/۶ درصد مرد، میانگین سنی ۳۵/۵۴ سال با انحراف معیار ۹/۲۱، میانگین مدت زمان ازدواج ۱۰/۷۸ با انحراف معیار ۸/۴۹ بود.

ابزارها

در این پژوهش جهت سنجش متغیرهای مورد مطالعه از ابزارهای خودگزارشی زیر استفاده شد.

مقیاس زیبایی ادراک شده. در پژوهش حاضر جهت ارزیابی فرد از تراز زیبایی و جذابیت همسرش، مقیاس ۳ ماده‌ای زیبایی ادراک شده^۱ تدوین شد. این ۳ ماده ادراک فرد را از زیبایی همسرش مورد ارزیابی قرار می‌دهد و از فرد می‌خواهد که زیبایی همسرش را از ۱ (غیر جذاب)، ۲ (کمی جذاب)، ۳ (جذاب) و ۴ (خیلی جذاب) درجه‌بندی کند. طیف نمره در این مقیاس از ۳ تا ۱۲ است؛ نمره میان ۳ تا ۷/۵ روشن‌گر تراز جذابیت کمتر از متوسط و نمره میان ۷/۵ تا ۱۲ روشن‌گر جذابیت بیشتر از متوسط است. جهت بررسی پایایی مقیاس زیبایی ادراک شده در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف برآورد شد. ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف برای این مقیاس به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۸۵ به دست آمد که این برآیندها روشن‌گر پایایی مطلوب این مقیاس است. به منظور بررسی روایی مقیاس زیبایی ادراک شده، روایی سازه با استفاده از روش تحلیل عامل تأییدی برآورد گردید. آماره‌های برازش مربوط به این مقیاس در پژوهش حاضر $\chi^2/df = ۱۵۵/۴۱۹ = ۸۸$ ، $\chi^2/df = ۱۷۶۶$ ، $df =$ ، $CFI = ۰/۹۳$ و $RMSEA = ۰/۰۴$ به دست آمد.

مقیاس هماهنگی نظام ارزشی. در پژوهش حاضر، جهت سنجش تراز هماهنگی ارزش‌ها و دیدگاه‌های فرد با همسرش، مقیاس ۹ ماده‌ای هماهنگی نظام ارزشی^۲ تدوین شد. این مقیاس تراز توافق نظر و همسانی دیدگاه فرد را درباره مسائل اقتصادی، سیاسی، دینی، اجتماعی و علمی با همسرش می‌سنجد. پاسخ‌های این مقیاس روی یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری شده است. نمره بالا در این مقیاس روشن‌گر تراز بالای هماهنگی و توافق میان ارزش‌ها و دیدگاه‌های فرد و همسرش است. طیف نمره این مقیاس از ۹ تا ۴۵ است. جهت بررسی پایایی مقیاس هماهنگی نظام ارزشی در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف برای این مقیاس برآورد شدند. ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۸۵ به دست آمد که این برآیندها روشن‌گر پایایی مطلوب این مقیاس است. به منظور بررسی روایی مقیاس هماهنگی

1. Perceived Beauty Scale
2. Value Congruency Scale

نظام ارزشی، روایی سازه با استفاده از روش تحلیل عامل تأییدی برآورد گردید. آماره‌های برازش مربوط به این مقیاس در پژوهش حاضر $\chi^2/df = 37/09$ ، $\chi^2 = 18$ ، $df = 18$ ، $\chi^2/df = 2/06$ ، $\chi^2/df = 0/99$ ، $CFI = 0/99$ و $RMSEA = 0/05$ به دست آمد.

پرسشنامه همسانی و ناهمسانی ویژگی‌های شخصیتی. برای سنجش همسانی و ناهمسانی ویژگی‌های شخصیتی، پرسشنامه پژوهشگر ساخته سنجش ویژگی‌های شخصیتی بر پایه پرسشنامه شخصیت سنج^۱ Taylor & Johnson (1966) & (Cited in Taylor & Morrison, 2002) ساخته شد. هدف این پرسشنامه بررسی تراز همسانی و ناهمسانی همسران در برخی ویژگی‌های شخصیتی است. بعد همسانی ویژگی‌های شخصیتی، همسانی زوجین را در تراز هم‌حسی و فعالیت اجتماعی مورد ارزیابی قرار می‌دهد؛ این بعد شامل ۱۲ ماده (ماده‌های ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۳۸، ۴۰، ۴۱) است. بعد ناهمسانی ویژگی‌های شخصیتی، ناهمسانی زوجین را در دو زمینه روان‌نژندی و سلطه‌جویی مورد بررسی قرار می‌دهد؛ این بعد شامل ۱۱ ماده (ماده‌های ۱۶، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۶، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۶) است. پاسخ هر کدام از ماده‌ها بر روی یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (خیلی کم) تا ۵ (خیلی زیاد) نمره گذاری می‌شود. جمع نمرات هر بعد یک نمره کل از آن بعد را فراهم می‌آورد. جهت بررسی پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ و تصنیف برای هر دو بعد این پرسشنامه برآورد گردید. ضرایب پایایی آلفای کرونباخ و تصنیف برای بعد همسانی به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۶۸ و برای بعد ناهمسانی به ترتیب ۰/۷۰ و ۰/۶۵ به دست آمدند. به منظور بررسی روایی پرسشنامه همسانی و ناهمسانی ویژگی‌های شخصیتی، روایی سازه با استفاده از روش تحلیل عامل تأییدی برآورد گردید. آماره‌های برازش مربوط مقیاس همسانی ویژگی‌های شخصیتی در پژوهش حاضر $\chi^2/df = 37/51$ ، $\chi^2 = 126$ ، $df = 126$ ، $\chi^2/df = 3/08$ ، $\chi^2/df = 0/92$ ، $CFI = 0/97$ و $RMSEA = 0/07$ برای مقیاس ناهمسانی ویژگی‌های شخصیتی در پژوهش حاضر $\chi^2/df = 649/685$ ، $\chi^2 = 200$ ، $df = 200$ ، $CFI = 0/902$ و $RMSEA = 0/076$ به دست آمد.

پرسشنامه نیازهای صمیمیت زناشویی. جهت سنجش صمیمیت میان زوجین از پرسشنامه نیازهای صمیمیت زناشویی Bagarozzi (2001) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۳۶ ماده و ۶ بعد صمیمیت هیجانی^۳ (ماده‌های ۱، ۷، ۱۳، ۱۹، ۲۵، ۳۱)، صمیمیت اجتماعی^۴ (ماده‌های ۲، ۸، ۱۴، ۲۰، ۲۶، ۳۲)، صمیمیت جنسی^۵ (ماده‌های ۳، ۹، ۱۵، ۲۱، ۲۷، ۳۳)، صمیمیت عقلانی^۶ (ماده‌های ۴، ۱۰، ۱۶، ۲۲، ۲۸، ۳۴)، صمیمیت تفریحی^۷ (ماده‌های ۵،

1. Taylor & Johnson Temperament Analysis (T-JTA)

2. Bagarozzi Marital Intimacy Needs Questionnaire

3. emotional intimacy

4. social intimacy

5. sexual intimacy

6. intellectual intimacy

7. recreational intimacy

۱۱، ۱۷، ۲۳، ۲۹، ۳۵) و صمیمیت عمومی^۱ (ماده‌های ۶، ۱۲، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۶) است. هر کدام از ابعاد از طریق ۶ ماده موردسنجش قرار می‌گیرند. پاسخ‌ها بر روی طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (هیچ‌وقت) تا ۵ (همیشه) نمره‌گذاری می‌شوند. در پژوهش حاضر از نسخه ترجمه‌شده توسط اعتمادی، نوایی نژاد، احمدی و فرزاد (۱۳۸۴) استفاده شد. اعتمادی و همکاران (۱۳۸۴) نرخ پایایی کل را با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آوردند. در پژوهش خدابخش، کیانی، نوری تیر تاشی و خستوهشچین (۱۳۹۳) نرخ آلفای کرونباخ ۰/۹۸ گزارش شده است. جهت بررسی پایایی پرسشنامه صمیمیت در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف برای کل پرسشنامه برآورد گردید که به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۶۸ برآورد شد. جهت بررسی روایی پرسشنامه صمیمیت در پژوهش حاضر، روایی همگرای آن از طریق همبسته کردن خرده مقیاس‌های صمیمیت برآورد شد.

مقیاس رضایت زناشویی. جهت سنجش رضایت زناشویی در پژوهش حاضر، از فرم کوتاه مقیاس رضایت زناشویی^۲ Blum & Mehrabian (1991) استفاده شد. این مقیاس یک ابزار اندازه‌گیری مربوط به بررسی سوبه‌های گوناگون رضایت زناشویی است و دارای ۱۴ ماده است. پاسخ‌دهندگان پاسخ خود را به هر ماده در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) رتبه‌بندی می‌کنند. بدین ترتیب نمره‌های این مقیاس میان ۱۴ تا ۷۰ متغیر می‌باشند که نمره بالا روشن‌گر تراز بالای رضایت زناشویی همسران نسبت به یکدیگر است. Blum & Mehrabian (1991) پایایی این مقیاس را با استفاده از نرخ آلفای کرونباخ در دو بررسی جداگانه ۰/۹۴ و ۰/۹۱ به دست آوردند. همچنین آن‌ها در تحلیل عاملی این ۱۴ ماده، به یک راه‌حل یک عاملی دست یافتند. در پژوهش سلیمانی و خسرویان (۱۳۹۵) نرخ آلفای کرونباخ ۰/۷۹ گزارش شده است. در پژوهش حاضر از نسخه ترجمه‌شده توسط رجیبی (۱۳۸۴) استفاده شد. رجیبی (۱۳۸۸)، روایی این پرسشنامه را از طریق همبسته کردن آن با مقیاس رضایت زناشویی انریچ^۳ Enrich (1998) ۰/۸۹ ($p < 0/01$) برآورد کرد و نرخ پایایی این مقیاس را به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ گزارش داد. جهت بررسی پایایی مقیاس رضایت زناشویی در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف برآورد گردید. ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف برای این مقیاس به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۹۴ به دست آمد که این برآیندها حاکی از پایایی مطلوب این مقیاس است. جهت تعیین روایی مقیاس رضایت زناشویی در پژوهش حاضر، از روش تحلیل عامل تأییدی استفاده شد. آماره‌های برازش مربوط به این مقیاس در پژوهش حاضر $\chi^2 = 121/967$ ، $df = 60$ ، $\chi^2/df = 2/033$ ، $\chi^2/df = 0/987$ و $CFI = 0/987$ و $RMSEA = 0/052$ به دست آمد.

1. general intimacy

2. Marital Satisfaction Scale

3. Enrich Marital Satisfaction Scale

مقیاس نگرش‌های نقش جنسیتی: مقیاس نگرش‌های نقش جنسیتی^۱ توسط Kaufman در سال ۲۰۰۰ ساخته شده است. این مقیاس دو گونه نگرش به نقش جنسیتی را می‌سنجد ۱- نگرش نسبت به نقش جنسیتی سنتی^۲ (۱ ماده) و ۲- نگرش نسبت به نقش جنسیتی برابری خواه^۳ (۱ ماده). ماده «به نظرم اگر مردی بتواند به خوبی امرار معاش کند، بهتر است که همسرش وظیفه نگهداری از فرزندان و خانواده را به عهده بگیرد» نگرش نقش جنسیتی سنتی و ماده «به نظرم اگر زن و شوهر هر دو تمام وقت کار کنند، کارهای خانه را می‌بایست به شکل مساوی باهم تقسیم کنند» نگرش نقش جنسیتی برابری خواه را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نمره گذاری این دو ماده بر پایه طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) انجام می‌گیرد. این مقیاس نخستین بار در پژوهش حاضر ترجمه و مورد استفاده قرار گرفته است. Kaufman (2000) نرخ پایایی این مقیاس را ۰/۸۹ گزارش کرده است. نرخ آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۴ برآورد شد.

مقیاس عشق پرشور. در پژوهش حاضر جهت سنجش متغیر عشق، از مقیاس عشق پرشور^۴ Hatfield & Rapson (1993) استفاده شد. این مقیاس شامل ۱۵ ماده است که نمره‌گذاری آن بر پایه طیف لیکرت ۹ درجه‌ای از ۱ (اصلاً) تا ۹ (کاملاً) انجام می‌شود. برای برآورد نمره هر فرد، هر ۱۵ ماده جمع بسته می‌شوند و طیف نمرات از ۱۵ تا ۱۳۵ متغیر است. Hatfield & Rapson (1993) پایایی این مقیاس را به روش نرخ آلفای کرونباخ ۰/۹۱ برآورد کردند. همچنین برآیندهای حاصل از تحلیل عاملی نشان داد که هر ۱۵ ماده بر روی یک عامل قرار دارند و توانسته‌اند ۷۰ درصد واریانس عامل خود را تبیین کنند. در پژوهش حاضر از نسخه ترجمه شده توسط رفیعی نیا و اصغری (۱۳۸۶) استفاده شد. آنان پایایی مقیاس را به روش نرخ آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آوردند و جهت برآورد روایی مقیاس، این مقیاس را با مقیاس عشق رفاقتی استرنبرگ^۵ همبسته کردند. برآیندها حاکی از معنی دار بودن نرخ محاسبه شده در سطح $p < 0/001$ بود. جهت بررسی پایایی مقیاس عشق در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ و تصنیف برای این مقیاس برآورد شدند. ضرایب آلفای کرونباخ و تصنیف برای این مقیاس به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۹۰ به دست آمد که این برآیندها حاکی از پایایی مطلوب این مقیاس است. جهت تعیین روایی مقیاس عشق در پژوهش حاضر، از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. آماره‌های برازش مربوط به این مقیاس در پژوهش حاضر $\chi^2/df = 15/305$ ، $\chi^2 = 73$ ، $df = 2/073$ = $CFI = 0/978$ ، $\chi^2/df = 0/978$ و $RMSEA = 0/053$ به دست آمد.

-
1. Gender Role Attitudes Scale
 2. traditional gender role attitudes
 3. egalitarian gender role attitudes
 4. Passionate Love Scale (PLS)
 5. Sternberg Companionate Love Scale (CLS)

مقیاس رضایت شغلی. جهت سنجش رضایت شغلی در پژوهش حاضر از مقیاس ۵ ماده‌ای رضایت شغلی^۱ Judge, Bono, & Locke (2000) استفاده شد. این مقیاس، خشنودی کلی فرد را از شغلش می‌سنجد. پاسخ‌ها بر روی یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شوند. Judge et al. (2000) در پژوهش خود پایایی این مقیاس را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ برآورد کردند. همچنین روایی این مقیاس را از طریق همبسته کردن نمره این مقیاس با مقیاس خشنودی شغلی Brayfield & Rothe (1951) برآورد کردند که در سطح $p < 0/01$ معنی‌دار گزارش شد. در پژوهش حاضر از نسخه ترجمه‌شده توسط فصیحی زاده (۱۳۸۹) استفاده شد. وی پایایی این مقیاس را با استفاده از نرخ آلفای کرونباخ، ۰/۸۰ گزارش کرده است. دباشی، نوری، عریضی و دیباجی (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود پایایی مقیاس خشنودی شغلی را با استفاده از نرخ آلفای کرونباخ ۰/۷۵ گزارش داده‌اند. جهت بررسی پایایی مقیاس رضایت شغلی در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف برآورد گردید. ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف برای این مقیاس به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۸۰ به دست آمدند. جهت تعیین روایی مقیاس رضایت شغلی در پژوهش حاضر، از روش تحلیل عامل تأییدی استفاده شد. آماره‌های برازش مربوط به این مقیاس در پژوهش حاضر $\chi^2 = 5/460$ ، $df = 4$ ، $\chi^2/df = 1/365$ ، $\chi^2/df = 0/998$ ، $CFI = 0/998$ و $RMSEA = 0/31$ به دست آمد.

مقیاس رضایت از زندگی. مقیاس رضایت از زندگی توسط Diener, Emmons, Larsen, & Griffin (1985) طراحی شده است که تراز رضایت از زندگی و احساس بهزیستی را منعکس می‌کند. این پرسشنامه دارای ۵ ماده است که پاسخ‌ها بر روی طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) قرار می‌گیرند. Diener et al. (1985) در پژوهش خود، نرخ همبستگی باز آزمائی نمره‌های این مقیاس را پس از دو ماه اجرا، ۰/۸۴ اعلام کردند. Vallerand, Blais, Briere, & Pelletier (1989) همبستگی منفی و قوی میان نمره‌های این آزمون با سیاهه افسردگی بک^۲ را گزارش کردند ($r = -0/72$ ، $p < 0/0001$). بیانی، محمد کوچکی و گودرزی (۱۳۸۶) پایایی این مقیاس را از طریق باز آزمائی ۰/۶۹ به دست آوردند. ضرایب پایایی مقیاس رضایت از زندگی در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۶۸ برآورد شد. برآیندها روشنگر پایایی مطلوب این مقیاس است. جهت تعیین روایی مقیاس رضایت از زندگی در پژوهش حاضر، از روش تحلیل عامل تأییدی استفاده شد. آماره‌های برازش مربوط به این مقیاس در پژوهش حاضر $\chi^2 = 16/153$ ، $df = 4$ ، $\chi^2/df = 4/038$ ، $\chi^2/df = 0/99$ ، $CFI = 0/99$ و $RMSEA = 0/31$ به دست آمد.

1. Job Satisfaction Scale

2. Beck Depression Inventory

شیوه اجرای پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق الگویی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS ویراست ۲۲ و AMOS ویراست ۲۲، انجام گرفت. جهت آزمون اثرات غیرمستقیم (واسطه‌ای) در الگوی پیشنهادی از روش بوت استرپ^۱ در برنامه ماکرو Preacher & Heyes (2008) استفاده شد. جهت تعیین کفایت برازش الگوی پیشنهادی، ترکیبی از شناسه‌های برازندگی به این شرح مورد استفاده قرار گرفتند: مجذور کای^۲ که یک مقیاس برازش کلی الگو با داده‌هاست. یک مقدار کوچک غیر معنی‌دار از مجذور کای حاکی از برازش خوب الگو با داده‌هاست (Hu & Bentler, 1995) به نقل از ارشدی، (۱۳۸۶). شناسه هنجار شده مجذور کای^۳ نسبت مجذور کای به درجه آزادی آن است. از آنجایی که مجذور کای نسبت به اندازه نمونه حساس است، بسیاری از پژوهشگران مجذور کای را نسبت به درجه آزادی آن می‌سنجند. معمولاً نسبت ۲ را به عنوان یک شناسه سرانگشتی نیکویی برازش استفاده می‌کنند (Colquit, 2001) به نقل از ارشدی، (۱۳۸۶). شناسه نیکویی برازش^۴: این شناسه مقدار نسبی واریانس‌ها و کوواریانس‌ها را به گونه‌ای مشترک از طریق الگو ارزیابی می‌کند و دامنه تغییرات آن میان صفر و یک است. بر پایه قرارداد، تراز GFI باید برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹ باشد تا الگوی مورد نظر پذیرفته شود (Hooper, Coughlan, & Mullen, 2008). شناسه نیکویی برازش تعدیل شده^۵: یک مقیاس کلی برازندگی است که تعداد درجه آزادی را به حساب می‌آورد. دامنه مورد پذیرش برای این شناسه مانند شناسه GFI مقادیر بالای ۰/۹۰ است (Hooper et al., 2008). شناسه برازندگی هنجار شده^۶: این شناسه، χ^2 الگوی پژوهش را با χ^2 الگوی صفر مقایسه می‌کند. مقادیر NFI برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹ در مقایسه با الگوی صفر به عنوان شناسه نیکویی برازندگی الگوهای نظری توصیه شده است (Hooper et al., 2008). شناسه برازندگی افزایشی^۷ و شناسه برازندگی تطبیقی^۸: این شناسه‌ها برازش الگوی از پیش طراحی شده پژوهشگر را با یک الگوی اولیه محدودتر آزمون می‌کنند که در آن همه کوواریانس متغیرهای نشان‌گر (متغیرهای شهود) صفر قرار داده می‌شوند. مقدار قراردادی این دو شناسه برای پذیرش برازندگی الگو ۰/۹۰ است (بشلیده، ۱۳۹۱). شناسه توکر-لویس^۹: این شناسه که آن را شناسه برازندگی هنجار نشده نیز می‌نامند، برازش بهتر الگو نسبت به الگوی مستقل (الگوی صفر با فرض نمودن رابطه صفر میان متغیرها) را می‌سنجد. مقدار این شناسه باید بالاتر از ۰/۹ باشد (هیو و بنتلر، ۱۹۹۵، به نقل از

-
1. bootstrap
 2. chi-square
 3. normed chi-square index
 4. goodness of fit index, GFI
 5. adjusted goodness of fit index (AGFI)
 6. normed fit index (NFI)
 7. incremental fit index (IFI)
 8. comparative fit index (CFI)
 9. tucker lewis index (TLI)

ارشدی، ۱۳۸۶). ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب^۱: این شناسه به دلیل این که کمتر تحت تأثیر اندازه نمونه قرار می‌گیرد و مستلزم مقایسه الگوی صفر و برآورد فاصله اعتماد نیست، یک اندازه مطلوب و متداول برازندگی به شمار می‌آید. بر پایه این شناسه، مقادیر بزرگ‌تر از ۰/۱ برازش ضعیف، مقادیر میان ۰/۰۸ و ۰/۱ برازش متوسط، مقادیر میان ۰/۰۵ و ۰/۰۸ برازش قابل قبول و مقادیر کمتر از ۰/۰۵ برازش خوب را نشان می‌دهند (هیو و بتلر، ۱۹۹۵، به نقل از ارشدی، ۱۳۸۶).

اخلاق در پژوهش

به‌منظور رعایت اصول اخلاقی، پیش از اجرای پژوهش همه شرکت‌کنندگان از اهداف پژوهش و اختیاری بودن مشارکت در آن آگاه شدند. همچنین، به شرکت‌کنندگان در پژوهش اطمینان داده شد که همه اطلاعات آنان محرمانه باقی می‌ماند. نکات دیگر مربوط به اخلاق در پژوهش مانند رعایت ارزش‌های اخلاقی در جمع‌آوری داده‌ها، عدم سوگیری در تحلیل داده‌ها و دقت در استناددهی نیز رعایت گردید.

یافته‌ها

میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی میان متغیرهای پژوهش در جدول (۲) نشان داده شده‌اند.

جدول ۲. میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی میان متغیرهای پژوهش

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	انحراف میانگین معیار	شناسه‌های آماری متغیرها						
										۱	۲/۱۱	۹/۱۷	زیبایی ادراک‌شده					
									۱	۰/۳۱**	۳/۶۷	۳۰/۵۶	همسانی نظام ارزشی					
								۱	۰/۶۰**	۰/۲۸**	۶/۳۶	۳۵/۳۷	همسانی ویژگی‌های شخصیتی					
						۱	۰/۴۷**	-۰/۳۶**	۰/۲۰**	۸/۲۸	۳۰/۱۷	۳۰/۱۷	ناهمسانی ویژگی‌های شخصیتی					
				۱	-۰/۳۱**	-۰/۱۰*	۰/۱۸**	-۰/۰۵	۱/۴۵	۳/۲۷	۱/۴۵	۳/۲۷	نگرش نقش جنسیتی سنتی					
			۱	۰/۰۹	-۰/۳۲**	۰/۲۶**	۰/۳۳**	۰/۰۶	۱/۳۳	۳/۳۰	۱/۳۳	۳/۳۰	نگرش نقش جنسیتی برای خواه					
				۱	۰/۰۶	-۰/۱۰*	-۰/۰۳	۰/۴۱**	۰/۴۱**	۰/۵۵**	۱۲/۶۵	۱۰۶/۰۱	صمیمیت					
			۱	۰/۰۹	۰/۳۰**	۰/۳۶**	-۰/۳۲**	۰/۵۱**	۰/۶۴**	-۰/۱۰*	۱۴/۴۹	۴۷/۶۶	رضایت زناشویی					
				۱	-۰/۱۷**	۰/۵۴**	-۰/۱۴**	۰/۲۹**	۰/۵۰**	۰/۴۵**	۲۲/۴۵	۱۱۰/۳۲	عشق					
				۱	۰/۰۴	۰/۳۹**	۰/۰۶	۰/۲۴**	۰/۱۱*	-۰/۱۶**	۰/۱۲*	۰/۳۱**	۴/۴۵	رضایت شغلی				
					۱	۰/۵۳**	۰/۰۱	۰/۵۹**	۰/۰۸	۰/۳۹**	۰/۲۱**	-۰/۱۸**	۰/۲۳**	۰/۳۹**	۰/۱۱*	۴/۶۵	۱۵/۸۹	رضایت از زندگی

**P<۰/۰۱ *P<۰/۰۵

^۱. root mean square error of approximation (RMSEA)

جهت آزمون هم‌زمان انگاره روابط مفروض در پژوهش حاضر، روش الگویابی معادلات ساختاری اعمال گردیده است.

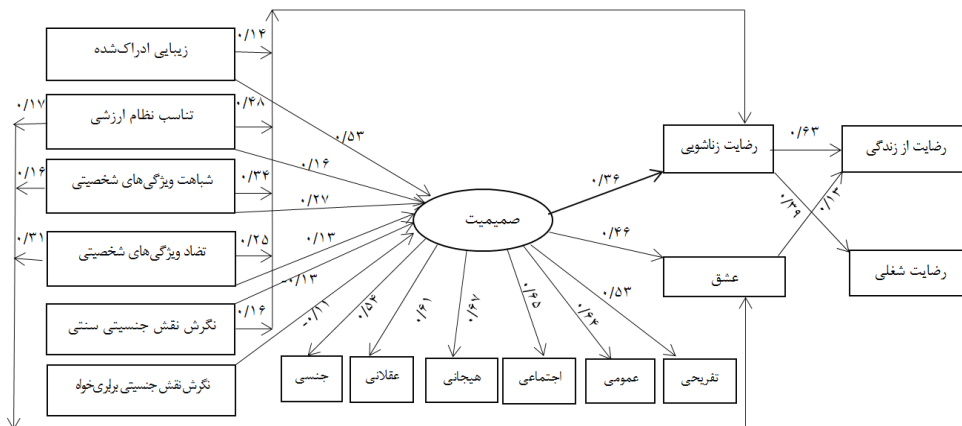
الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر در مجموع مشکل از ۱۱ متغیر است. متغیرهای زیبایی ادراک شده، هماهنگی نظام ارزشی، همسانی ویژگی‌های شخصیتی، ناهمسانی ویژگی‌های شخصیتی، نگرش نقش جنسیتی سنتی، نگرش نقش جنسیتی برابری خواه و صمیمیت به‌عنوان پیشایندهای رضایت زناشویی و عشق و رضایت شغلی و رضایت از زندگی به‌عنوان پیامدهای آن‌ها در نظر گرفته شده‌اند. نتایج مربوط به برازندگی الگوهای پیشنهادی، اصلاح شده و نهایی در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. شناسه‌های برازش الگوی پیشنهادی، الگوی اصلاح شده و الگوی نهایی

شناسه‌های برازش	χ^2	df	χ^2/df	GFI	AGFI	TLI	CFI	IFI	NFI	RMSEA
الگوی پیشنهادی	۲۶۴/۸۲	۷۳	۳/۶۲۸	۰/۹۲	۰/۸۶	۰/۸۶	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۸۹	۰/۰۸
الگوی اصلاح شده	۲۱۰/۱۲	۷۴	۲/۸۴۰	۰/۹۴	۰/۸۹	۰/۹۰	۰/۹۴	۰/۹۴	۰/۹۱	۰/۰۷
الگوی نهایی	۱۲۲/۳۷	۶۸	۱/۸۰۰	۰/۹۶	۰/۹۲	۰/۹۶	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۵	۰/۰۵

همان‌طور که نتایج مندرج در جدول (۳) نشان می‌دهند، گرچه برخی از شناسه‌های برازندگی الگوی پیشنهادی حاکی از برازش خوب آن با داده‌هاست، اما بعضی دیگر از شناسه‌ها نشان می‌دهند که الگوی پیشنهادی نیاز به اصلاح دارد. در گام بعدی مسیرهای زیبایی ادراک شده به عشق، نگرش نقش جنسیتی سنتی به عشق، نگرش نقش جنسیتی برابری خواه به رضایت زناشویی و عشق که معنی‌دار نبودند از الگوی پیشنهادی حذف شدند. بعد از اعمال تغییرات، الگو مورد آزمون قرار گرفت (الگوی اصلاح شده). در گام بعدی بر پایه شناسه‌های اصلاحی AMOS-22، خطاهای مسیرهای رضایت شغلی و رضایت از زندگی، بعد صمیمیت تفریحی و بعد صمیمیت عمومی و نیز بعد صمیمیت تفریحی و عشق همبسته شدند. می‌توان انتظار داشت موارد خطا برای دو متغیر وقتی دارای علل مشترکی باشند که در الگو منظور نگردیده‌اند، همپراش باشند (شاپروک ۱۹۹۰، به نقل از ارشدی، ۱۳۸۶). شکل (۲) الگوی نهایی پژوهش حاضر را به همراه ضرایب مسیر نشان می‌دهد.

یک فرض زیربنایی الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر، وجود مسیرهای واسطه‌ای بود. جدول ۶ نتایج بوت استراپ را برای روابط غیرمستقیم نشان می‌دهد. سطوح اطمینان برای این فواصل اطمینان ۹۵ و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت استراپ ۲۰۰۰ است.



شکل ۲. الگوی نهایی به همراه ضرایب مسیر در پژوهش حاضر

جدول ۴. نتایج بوت استراپ برای مسیرهای غیرمستقیم

مسیرها	داده	بوت سوگیری	خطای حد	حد بالا
زیبایی ادراک شده ← صمیمیت ← رضایت زناشویی	۰/۱۱۶	۰/۰۰۴	۰/۱۵۱	۰/۴۱۹
زیبایی ادراک شده ← صمیمیت ← عشق	۰/۴۶۹	۰/۰۲۳	۰/۳۲۶	۰/۵۵۲
همسانی نظام ارزی ← صمیمیت ← رضایت زناشویی	۰/۱۴۰	-۰/۰۰۱	۰/۰۳۳	۰/۲۱۰
همسانی نظام ارزی ← صمیمیت ← عشق	۰/۴۷۳	۰/۰۰۲	۰/۰۹۱	۰/۶۶۰
همسانی ویژگی‌های شخصی ← صمیمیت ← رضایت زناشویی	۰/۱۶۲	۰/۰۰۲	۰/۰۴۹	۰/۲۶۷
همسانی ویژگی‌های شخصی ← صمیمیت ← عشق	۰/۶۶۲	-۰/۰۰۳	۰/۱۳۴	۰/۹۷۳
ناهمسانی ویژگی‌های شخصی ← صمیمیت ← رضایت زناشویی	۰/۱۵۴	۰/۰۰۱	۰/۰۶۱	۰/۲۸۴
ناهمسانی ویژگی‌های شخصی ← صمیمیت ← عشق	۰/۲۵۳	۰/۰۰۸	۰/۱۲۶	۰/۴۹۸
نگرش نقش جنسیتی سنتی ← صمیمیت ← رضایت زناشویی	۰/۲۷۱	-۰/۰۰۲	۰/۱۴۸	۰/۵۹۷
نگرش نقش جنسیتی سنتی ← صمیمیت ← عشق	۰/۴۹۸	-۰/۰۲۲	۰/۵۲۴	۰/۸۶۳
نگرش نقش جنسیتی برابری خواه ← صمیمیت ← رضایت زناشویی	۰/۱۹۱	۰/۰۱۲	۰/۰۵۴	۰/۴۷۰
نگرش نقش جنسیتی برابری خواه ← صمیمیت ← عشق	۰/۱۷۸	-۰/۰۲۲	۰/۴۱۶	۰/۶۱۱

همان‌طور که نتایج مندرج در جدول (۴) نشان می‌دهند صفر بیرون از این فواصل اطمینان قرار می‌گیرد بنابراین، همه روابط غیرمستقیم میان متغیرها معنی‌دار می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف آزمودن الگویی از برخی پیشناندها و پیامدهای رضایت زناشویی و عشق انجام شد. برآیندهای پژوهش حاضر نشان داد که نرخ مسیر زیبایی ادراک‌شده به صمیمیت و رضایت زناشویی، مثبت و

معنی دار است. این برآیندها با پژوهش‌های Dion et al. (1972) Wiederman & Hurst (1998)، نشاطی و خلفی (۱۳۹۴)، Zebrowitz & Rhodes (2004) Meltzer & McNulty (2010) Sigel & Landy (1973) همخوان است. افراد زیبا و جذاب، شادتر، گرم‌تر و جالب‌توجه‌تر، منطقی‌تر و عقلانی‌تر ادراک می‌شوند. از این رو هر چه ادراک زیبایی فرد بیشتر باشد در واقع جذاب‌تر، گرم‌تر، عقلانی‌تر، منطقی‌تر دیده می‌شود (Sigel & Landy, 1973). نرخ مسیر صمیمیت به عشق و رضایت زناشویی نیز مثبت و معنی دار به دست آمد. این یافته‌ها با یافته‌های Sternberg (1986)، Hatfield & Rapson (1993)، Lawler (1992)، و Gottman & Silver (2000) همخوانی دارد. برای تبیین این یافته‌ها می‌توان به دیدگاه Sternberg (1986) اشاره کرد. او معتقد است که «صمیمیت» به رفتارهایی اطلاق می‌شود که نزدیکی عاطفی را افزایش می‌دهد. نزدیک بودن عاطفی شامل حمایت و درک متقابل، ارتباط برقرار کردن و سهیم کردن خود، فعالیت‌ها و دارایی‌هایمان با دیگری است. صمیمیت به نوعی عشق مشفقانه است. طرفین به رفاه و خوشبختی یکدیگر توجه دارند. این افراد یکدیگر را دوست دارند و درک می‌کنند. حساس‌ترین زمان برای آغاز شکل‌گیری روابط صمیمی پیش‌نوجوانی است.

برآیندهای پژوهش حاضر نشان داد که ضرایب مسیر هماهنگی نظام ارزشی به صمیمیت، رضایت زناشویی و عشق مثبت و معنی دار است. برآیندهای این فرضیه با پژوهش‌های Robinson & Blanton (1993) Myers (2006) و Mackey & O'Brien (2005) و Starratta, Weekes-Shackelfordb, & Shackelfordb (2017) و Zaheri, Dolatian, Shariati, Simbar, Ebadi, & Hasanpoor Azghadi (2016) همخوانی دارد. برای تبیین این یافته‌ها باید به این نکته اشاره کرد که یکی از ابعاد صمیمیت داشتن نگرش‌ها و ارزش‌های همسان است؛ به عبارت دیگر هر چه تراز همسانی ارزشی و نگرشی میان زوجین بیشتر باشد بیشتر احساس صمیمیت می‌کنند و این تأثیر بیشتر در بعد صمیمیت عقلانی و اجتماعی ادراک می‌شود. با توجه به تأیید رابطه نظام ارزشی با صمیمیت، می‌توان استنباط کرد که صمیمیت که یکی از مؤلفه‌های عشق است لذا داشتن ارزش‌های همسان می‌تواند بعد صمیمیت عشق را تقویت کند و در نهایت به عشق منجر شود.

در پژوهش حاضر ضرایب مسیر همسانی صفات شخصیتی به صمیمیت و رضایت زناشویی مثبت و معنی دار به دست آمد. این یافته‌ها با پژوهش‌های Winch (1985) به نقل از اربر و اربر ۲۰۱۱، ترجمه جواهری و تاجیک، (۱۳۹۱) و پژوهش Rosenblatt & Greenberg (1988) همخوانی دارد. همسانی زوجین می‌تواند به صمیمیت بیشتری منجر شود. همان‌طور که در تبیین رابطه همسانی نظام ارزشی با صمیمیت مطرح شد، تراز همسانی افراد در نگرش‌ها و ویژگی‌های شخصیتی، می‌تواند صمیمیت ایجاد کند، چراکه صمیمیت ادراک نزدیکی فکری، هیجانی و عقلانی است. لذا هر چه همسانی صفات دو فرد بیشتر باشد احساس صمیمیت نیز بیشتر خواهد بود.

رابطه همسانی صفات مرکزی با صمیمیت و رضایت زناشویی نیز مورد تأیید قرار گرفت؛ به عبارت دیگر هرچه تراز همسانی زوجین در صفات مرکزی بیشتر باشد، صمیمیت و رضایت زناشویی بیشتر خواهد بود. منظور از صفات مرکزی صفاتی هستند که در فرد وجود دارند و فرد از آن‌ها آگاه است و برای توصیف خود از آن‌ها استفاده می‌کند و دیگران هم آن را با این ویژگی می‌شناسند. این یافته‌ها با نتایج احدی (۱۳۸۶) همخوانی دارد. در بحث همسانی ویژگی‌های شخصیتی پژوهش‌های زیادی صورت گرفته که همگی مؤید این هستند که وقتی زن و مرد از نظر ویژگی شخصیتی شبیه باشند زن تراز رضایت زناشویی و احساس صمیمیت میان آنان بیشتر خواهد بود.

میان ناهمسانی ویژگی‌های شخصیتی با صمیمیت و رضایت زناشویی و عشق رابطه معنی‌دار به دست آمد. این یافته نظریه مکمل بودن را مورد تأیید قرار داد. برای نظریه همسانی پژوهش‌های مؤید بسیاری وجود دارد. بازنگری وینچ (جامع‌ترین پژوهش در زمینه مقایسه دو نظریه) بیشترین تأیید را بر نظریه همسانی و شبیه بودن را مطرح کرد. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن پیشینه پژوهش و مشکلات پژوهش‌های قبلی، صفات بنیادی آلپورت را برای آزمون این نظریه در نظر گرفت. در این پژوهش روان‌نژندی و سلطه‌جویی به‌عنوان ویژگی‌هایی برای آزمون نظریه متضادها، انتخاب شدند. این یافته‌ها با پژوهش‌های Markey et al. (2003) مبنی بر این که ناهمسانی برخی ویژگی‌های زوجین می‌تواند به جذابیت میان فردی منجر شود، همخوانی دارد.

میان هماهنگی نظام ارزشی زوجین و رضایت زناشویی رابطه معنی‌دار بود. این یافته با پژوهش‌های پژوهش‌های Kandel (1978) و پژوهش‌های Caspi et al. (1992) Watson, Hubbard, & Wiese (2000) همخوانی دارد. در واقع در تبیین این یافته می‌توان گفت که هرچه تراز همسانی نظام ارزشی زوجین در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و... بیشتر باشد، ادراک صمیمیت و انواع آن (اجتماعی، عقلانی و هیجانی...) بیشتر است. نزدیکی و همسانی افکار و ارزش‌ها ابعاد اصلی صمیمیت را تشکیل می‌دهند در نتیجه هرچه دو فرد احساس کنند که از نظر ارزشی به هم شبیه‌ترند، طبیعی است که نسبت به یکدیگر احساس صمیمیت بیشتری داشته باشند.

از جمله مسیرهایی که در این پژوهش تأیید نشد رابطه زیبایی ادراک‌شده به عشق بود. البته این رابطه از طریق صمیمیت مورد تأیید قرار گرفت (رابطه غیرمستقیم). رابطه نگرش نقش جنسیتی به عشق نیز تأیید نشد. یکی از مشخصه‌های عشق، داشتن حرارت و شور در روابط است که این ویژگی در میان افراد جوان بیشتر دیده می‌شود، در حالی که نگرش‌های برابری خواهی بیشتر مربوط به دوره میان‌سالی است (برک، ۲۰۰۱، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۵). لذا افرادی که نمره برابری خواهی بالایی دارند در سن میان‌سالی هستند و از رضایت زناشویی بالا و عشق پرشور پایین‌تری برخوردارند.

پژوهش حاضر نشان داد که رضایت زناشویی با رضایت شغلی و رضایت از زندگی رابطه معنی‌داری دارد. این یافته با پژوهش‌های Heller et al. (2004) همخوانی دارد. این یافته‌ها با نتایج فرا تحلیل Kossek (1998) و

فرا تحلیل Michalos (2003) همخوانی دارند. هرچه افراد در زندگی خود تنش کمتری داشته باشند در کارشان موفق‌ترند و رضایت شغلی بالاتری دارند. برای رضایت از زندگی چهار عامل اصلی خانواده، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، شرایط روانی و جسمانی مؤثرند؛ به عبارت دیگر رضایت از زندگی زناشویی، وضعیت اجتماعی و اقتصادی می‌تواند بر رضایت از زندگی تأثیر داشته باشد. این چهار متغیر اصلی می‌تواند مستقلاً یا توأم با یکدیگر بر رضایت از زندگی تأثیرگذار باشند. در پژوهش حاضر نرخ مسیر عشق به رضایت از زندگی نیز مثبت و معنی‌دار به دست آمد. عشق یک هیجان است که به گفته Fisher (2000) منجر به ترشح تراز بالای از دوپامین و نوراپی‌نفرین و فعال‌سازی سیستم لذت و پاداش می‌شود. در نتیجه وجود عشق سیستم لذت و پاداش فرد باعث شادی و رضایت خاطر می‌شود که به نوبه خود به رضایت از زندگی بالا می‌انجامد.

محدودیت‌ها و پیشنهادها

با توجه به این که پژوهش حاضر روی کارکنان آموزش و پرورش انجام گرفته است، در تعمیم نتایج به سایر جوامع آماری که از جنبه‌هایی با جامعه این پژوهش متفاوت هستند، می‌بایست جانب احتیاط را رعایت کرد. در این پژوهش از پرسشنامه‌های خود گزارشی جهت گردآوری داده‌ها استفاده شد. این گونه ابزارها محدودیت خاص خود را دارند. طرح پژوهشی حاضر از نوع الگویی معادلات ساختاری است که به معنای اثبات روابط علی میان متغیرها نیست؛ بنابراین در خصوص باید جانب احتیاط رعایت شود.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که عشق و رضایت زناشویی مستقل از هم هستند و هر دو می‌توانند به رضایت از زندگی کمک کنند. لذا به مشاوران و روانشناسان پیشنهاد می‌شود هر دو متغیر را در درمان‌های زوجی مورد توجه قرار دهند. برخلاف تصور بسیاری از مردم عشق به تنهایی نمی‌تواند به رضایت زناشویی منجر شود، لذا تصور جوانان مبنی بر این که عشق برای تشکیل یک زندگی کفایت می‌کند، تصور اشتباهی است، عشق شرط لازم است ولی کافی نیست. با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود که متغیرهای اثرگذار بر رضایت زناشویی (پیشایندها) به افرادی که تصمیم به ازدواج دارند در کارگاه‌ها و دوره‌هایی آموزش داده شود. توصیه می‌شود روانشناسان و مشاوران حوزه خانواده با نظریه‌های همسان همسری و مکمل بودن آشنا شوند. پیشنهاد می‌شود سازمان‌ها به منظور افزایش رضایت شغلی کارکنان تدابیری جهت افزایش رضایت زناشویی در راستای حل تعارض کار-خانواده بیندیشند.

تصریح درباره عدم تناقض منافع

نویسندگان پژوهش حاضر متعهد می‌شوند که این پژوهش هیچ گونه ناهمسانی منافی ندارد و نتایج آن فاقد هر گونه منفعت اقتصادی برای نویسندگان بوده است. همچنین، انجام این پژوهش تحت تأثیر ارتباطات خاص با اشخاص یا مراکزی که پژوهش در آن انجام شده است، نبوده است.

سپاسگزاری

این پژوهش برگرفته از رساله دکتری با عنوان طراحی و آزمون الگویی از برخی پیشایندها و پیامدهای رضایت زناشویی و عشق در کارکنان آموزش و پرورش شهرستان اهواز بود. بدین وسیله از همه کارکنان و مسئولین محترم آموزش و پرورش شهرستان اهواز که بدون یاری آنان انجام این پژوهش ممکن نبود، کمال تشکر را داریم.

منابع

- احمدی، بتول. (۱۳۸۶). رابطه شخصیت و رضایت زناشویی. *دوفصلنامه روانشناسی معاصر*، ۲(۲)، ۳۷-۳۱.
- اربر، رالف و اربر، وانگ. (۲۰۱۱). *روابط صمیمانه (مسائل، نظریه‌ها و اصول پژوهش)*. ترجمه: عابدین جواهری و عزیز الله تاجیک (۱۳۹۱). چاپ اول. تهران: انتشارات نسل فردا.
- ارشدی، نسرين. (۱۳۸۶). *طراحی و آزمون الگویی از پیشایندها و پیامدهای مهم انگیزش شغلی در کارکنان شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب منطقه اهواز*. پایان‌نامه دکتری روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز.
- آرین فر، نیره و رسولی، رؤیا. (۱۳۹۶). هم‌سنجی تأثیر زوج‌درمانی متمرکز بر هیجان با برنامه غنی‌سازی زناشویی در رضایت زناشویی. *دوفصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۷(۲)، ۲۶-۳.
- اعتمادی، عذرا؛ نوابی نژاد، شکوه؛ احمدی، سید احمد؛ و فرزاد، ولی اله. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر زوج‌درمانی به شیوه ایماگو‌تراپی بر افزایش صمیمیت زوج‌ها. *پژوهش‌های مشاوره تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۵(۱۹)، ۲۲-۹.
- بارون، رابرت، بیرن، دان. (۲۰۰۶). *روانشناسی اجتماعی*. ترجمه یوسف کریمی (۱۳۹۵). چاپ دهم. تهران: انتشارات روان.
- برک، لورای. (۲۰۰۱). *روانشناسی رشد از نوجوانی تا پایان زندگی*. ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۵). چاپ پنجم، جلد دوم. تهران: انتشارات ارسباران.
- بشلیده، کیومرث. (۱۳۹۱). *روش‌های پژوهش و تحلیل آماری مثال‌های پژوهشی با SPSS, AMOS*. اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز.
- بیانی، علی اصغر؛ کوچکی، عاشورمحمد؛ و گودرزی، حسنیه. (۱۳۸۶). اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی (SWLS). *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، ۳(۱۱)، ۲۶۵-۲۵۹.
- حفاظی، میترا. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط بین اجزاء عشق و رضایتمندی زوجی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۱۶(۵۴)، ۹۹-۱۰۹.
- خدابخش، محمدرضا؛ کیانی، فریبا؛ نوری تیر تاشی، ابراهیم؛ و خستو هسجین، حامد. (۱۳۹۳). اثربخشی روایت‌درمانی بر افزایش صمیمیت زوجین و ابعاد آن: تلویحاتی برای درمان. *دوفصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۴(۴)، ۶۳۲-۶۰۷.
- دباشی، فرزانه؛ نوری ابوالقاسم؛ عریضی حمیدرضا؛ و دیباجی، سیدمیشم. (۱۳۹۵). پیش‌بینی تمایل به ترک شغل کارکنان بر اساس عوامل فردی، شغلی و سازمانی. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۷(۲)، ۵۴-۴۵.

- رجبی، غلامرضا. (۱۳۸۸). ساختار عاملی مقیاس رضایت زناشویی در کارکنان متأهل دانشگاه شهید چمران. *مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۵ (۴)، ۳۵۸-۳۵۱.
- رفیعی نیا، پروین و اصغری، آرزو. (۱۳۸۶). رابطه‌ی میان انواع عشق و بهزیستی ذهنی در دانشجویان متأهل. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۳ (۹)، ۴۹۱-۵۰۱.
- سلیمانی، اسماعیل و خسرویان، بهروز. (۱۳۹۵). تأثیر معنادرمانی گروهی در رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی همسران ناسازگار. *دو فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲ (۲۲)، ۱۹-۱.
- فصیحی زاده، نرگس. (۱۳۸۹). رابطه‌ی چندگانه خشنودی شغلی با ابعاد شخصیت، هوش هیجانی، عاطفه مثبت و دل‌بستگی شغلی در بین کارکنان شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- مرتضوی، مهناز؛ بخشایش، علیرضا؛ فاتحی زاده، مریم؛ و امامی نیا، سعیده. (۱۳۹۲). رابطه میان سردمزاجی جنسی و تعارض زناشویی در زنان ساکن شهر یزد. *مجله پزشکی ارومیه*، ۲۴ (۱۱)، ۹۱۳-۹۲۱.
- نشاطی، سیمین و خلفی، علی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه جذابیت فیزیکی با عشق و رضایت زناشویی با در نظر گرفتن اثر تعدیل‌کنندگی مقیاس مردانگی-زنانگی در میان کارکنان متأهل بیمارستان سینای شهرستان کارون. دومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شادگان، شادگان.

References

- Bagarozzi, D. A. (2001). *Enhancing intimacy in marriage: A clinician's guide*. New York, NY: Brunner-Routledge.
- Blum, J. S., & Mehrabian, A. (1999). Personality and temperament correlates of marital satisfaction. *Journal of Personality*, 67(1), 93-125.
- Brayfield, A. H., Rothe, H. F. (1951). An index of job satisfaction. *Journal of Applied Psychology*, 35, 307-311
- Caspi, A., Herbener, E. S., & Ozer, D. J. (1992). Shared experiences and the similarity of personalities: a longitudinal study of married couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 62(2), 281-91.
- Diamond, L. M. (2004). Emerging Perspectives on Distretions Between romantic love and sexual desire. *Current Directions in Psychology Science*, 13(3), 116-119.
- Diener, E., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S. (1985). The satisfaction with life scale. *Journal of Personality Assessment*, 49(1), 71-75.
- Dion, K., Berscheid, E., & Walster, E. (1972). What is beautiful is good. *Journal of Personality and Social Psychology*, 24(3), 285-290.
- Fisher, C. D. (2000). Mood and emotions while working: Missing pieces of job satisfaction?. *Journal of Organizational Behavior*, 21(2), 1-38.
- Gottman, J. M., & Silver, N. (2000). *The seven principles for making marriage work*. New York: Three Rivers Press.
- Hatfield, E. & Sprecher, S. (1986). Measuring passionate love in intimate relations. *Journal of Adolescence*, 9(4), 383-410.
- Heller, D., Watson, D., & Hies, R. (2004). The role of person versus situation in life satisfaction: A critical examination. *Psychological Bulletin*, 130(4), 574-600.

- Hooper, D., Coughlan, J., & Mullen, M. R. (2008). Structural Equation Modelling: Guidelines for Determining Model Fit. *The Electronic Journal of Business Research Methods*, 6, 53-60.
- Judge, T. A., & Bono, J. E. (2000). Five-factor model of personality and transformational leadership. *Journal of Applied Psychology*, 85(5), 751-765.
- Kandel, S. (1987). Discussion. *The Journal of Finance*, 42(3), 620-622.
- Kaufman, G. (2000). Do Gender Role Attitudes Matter?: Family Formation and Dissolution among Traditional and Egalitarian Men and Women. *Journal of Family Issues*, 21(1), 128-144.
- Kossek, A. (1998). Work-family conflict, policies, and the job-life satisfaction relationship: review and directions for organizational behavior-human resources research. *Journal of Applied Psychology*, 83(2), 139-149.
- Lewak, R. W., Wakefield, J. A., Jr., & Briggs, P. F. (1985). Intelligence and personality in mate choice and marital satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 6(4), 471-477.
- Mackey, R. A., & O'Brien, B. A. (2005). The significance of religion in lasting marriages. *Journal of Religion, Spirituality & Aging*, 18(1), 35-63.
- Markey, P. M., Funder, D. C., & Ozer, D. J. (2003). Complementarity of interpersonal behaviors in dyadic interactions. *Personality and Psychology Bulletin*, 29(9), 1082-1090.
- Mccarthy, B., & Duck, S. W. (1976). Friendship duration and responses to attitudinal agreement-disagreement. *British Journal of Social and Clinical Psychology*, 18(3), 299-307
- Meltzer, A. L., & McNulty, J. K. (2010). Body image and marital satisfaction: evidence for the mediating role of sexual frequency and sexual satisfaction. *Journal of Family Psychology*, 24(2), 156-164.
- Michalos, A. C. (2003). Essays on the Quality of Life. *Job satisfaction, marital satisfaction and the quality of life: A review and a preview* (pp. 123-144). Netherlands: Springer.
- Murstein, B. I. (1970). Stimulus. Value. Role: A theory of marital choice. *Journal of Marriage and Family*, 32(3), 465-481.
- Myers, S. M. (2006). Religious homogamy and marital quality: Historical and generational patterns, 1980-1997. *Journal of Marriage and family*, 68(2), 292-304.
- Pearson, K., & Lee, A. (1903). On the laws of inheritance in man: I. Inheritance of physical characters. *Biometrika*, 2(4), 357-462.
- Preacher, K. J., & Hayes, A. F. (2008). Asymptotic and resampling strategies for assessing and comparing indirect effects in multiple mediator models. *Behavior research methods*, 40(3), 879-891.
- Robinson, L. C., & Blanton, P. W. (1993). Marital strengths in enduring marriages. *Family Relations*, 42(1), 38-45.
- Rosenblatt, A., & Greenberg, J. (1988). Depression and interpersonal attraction: The role of perceived similarity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 55(1), 112-119.
- Rosenblatt, A., & Greenberg, J. (1988). Depression and interpersonal attraction: the role of perceived similarity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 55(8), 112-119.
- Ryckman, K. K., Jiang, L., Li, C., Bartlett, J., Haines, J., & Williams, S. M. (2008). A prevalence-based association test for case-control studies. *Genetic Epidemiology*, 32(7), 600-605.

- Sigel, H., & Landy, D. (1973). Radiating beauty: Effects of having a physically attractive partner on perception. *Journal of Personality and Social Psychology*, 28(2), 218-224.
- Skeen, J. A., Rogoff, B., & Ellis, S. (1983). Categorization by children and adults in communication contexts. *International Journal of Behavioral Development*, 6(2), 213-220.
- Starratta, V. G., Weekes-Shackelfordb, V., & Shackelfordb, T. K. (2017). Mate value both positively and negatively predicts intentions to commit an infidelity. *Personality and Individual Differences*, 104, 18-22.
- Sternberg, R. J. (1986). A triangular theory of love. *Psychological review*, 93(2), 119-135.
- Taylor, R. M., & Morrison, L. P. (2002). Taylor-Johnson Temperament Analysis Manual. *Thousand Oaks, CA. Psychological Publications*, 39(6), 539-548.
- Terman, L. M., & Bittenweiser, P. (1935). Personality factors in marital compatibility. *Journal of Social Psychology*, 6(2), 143-173.
- Vallerand, R. J., Blais, M. R., Briere, N. M., & Pelletier, L. G. (1989) Construction et validation de l'échelle de motivation en éducation (EME). *Canadian Journal of Behavioural Science/Revue Canadienne Des Sciences Du Comportement*, 21, 323-349.
- Watson, D., Hubbard, B., & Wiese, D. (2000). General traits of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationships: Evidence from self and partner-ratings. *Journal of Personality*, 68(3), 413-449.
- Wiederman, M. W., & Hurst, S. R. (1998). Body size, physical attractiveness, and body image among young adult women: Relationships to sexual experience and sexual esteem. *The Journal of Sex Research*, 35, 272-281.
- Zaheri, F., Dolatian, M., Shariati, M., Simbar, M., Ebadi, A., & Hasanpoor Azghadi, S. B. (2016). Effective factors in marital satisfaction in perspective of Iranian women and men: A systematic review. *Electron Physician*, 8(12), 3369-3377.
- Zebrowitz, L. A., & Rhodes, G. (2004). Sensitivity to "Bad Genes" and the anomalous face overgeneralization effect: Cue validity, cue utilization, and accuracy in judging intelligence and health. *Journal of Nonverbal Behavior*, 28(3), 167-185.

References (In Persian)

- Ahadi, B. (2007). Relationship between personality and marital satisfaction. *Journal of Iranian Psychological Association*, 2(2), 31-37.
- Arber, R. & Arber, W. (2011). *Sincerity relations (issues, theories and principles of research)*. In A. Javaheri, & A. Tajik (Eds.). (1st ed.). Tehran: Tomorrows Generation Press.
- Arshadi, N. (2007). Designing and testing a model of some precedents and outcomes of work motivation. Ph.D. Thesis Industrial and Organizational Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
- Aryanfer, N. & Rasooli, D. (2017). Peer-to-peer impact coupled impact associated with marital enrichment program in marital satisfaction. *Semi-annual Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 7(2), 3-26.
- Baron, R., & Bim, D. (2006). *Social Psychology*. In Y. Karimi (Ed.). Tehran: Ravan Publications.
- Bayani, A. A., Kuchaki, A. M., & Goodarzi, H. (2007). Validity and validity of life satisfaction scale (SWLS). *Iranian Journal of Psychology*, 3(11), 259-265.
- Beshlideh, K. (2012). *Research methods and statistical analysis research examples with SPSS, AMOS*. Ahvaz: Shahid Chamran University of Ahvaz Press.

- Burke, L. (2001). *Developmental psychology from adolescence to the end of life*. In Y. Seyyed Mohammadi (ed.). (5th ed., Vol. 2). Tehran: Arasbaran Publications.
- Dhabashi, F., Nouri A., Orezi, H. R., & Dibaji S.M. (2016). Predict the desire to leave employees based on individual, occupational and organizational factors. *Knowledge and Research in Applied Psychology*, 17(2), 54-45.
- Etemadi, A., Navabinejad, G., Ahmadi, S. A., & Farzad, V. (2005). The study of the effect of couple therapy in the therapeutic way on the increase of couples' intimacy. *Journal of Counseling Research*, 5(19), 9-22.
- Fasihzadeh, N. (2010). Multiple relationship of job satisfaction with personality dimensions, emotional intelligence, positive affect and job attachment among employees of iran oil refining and distribution company in Isfahan. M.A.Thesis, Isfahan University, Isfahan.
- Hefazati, M. (2006). Investigate the relationship between the components of love and the satisfaction of the couple. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*, 16(54), 99-109.
- Khodbakhsh, M. R., Kiani, F., Nouri Tiratashi, & Khosto Hashjin, H. (2015). The Effect of Therapeutic Narrative on Increasing Couple Intimacy and Its Dimensions: Concepts for Treatment. *Semi-annual Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 4(4), 607-632.
- Mortazavi, M., Bakhshayesh, A., Fatehizadeh, M., & Emamiah, S. (2013). Relationship between sexual cold and marital conflict in women living in Yazd. *The Journal of Urmia University Medical Sciences*, 24(11), 913-921.
- Neshati, S. & Khalafi, A. (2015). *Investigating the relationship between physical separation with love and marital satisfaction considering the moderating effect of masculinity-femininity scale among married staff of Sina hospital in Karoun*. Second National Conference on Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, Shadegan Branch, Shadegan.
- Rafienia, P., & Asghari, A. (2007). The relationship between types of love and subjective well-being in married students. *Quarterly Journal of Family Studies*, 3(9), 501-491.
- Rajabi, Gh. (2009). Factor structure of Marital Satisfaction Scale in Married Employees of Shahid Chamran University. *Iranian Journal of Psychiatry & Clinical Psychology*, 15(4), 358-351.
- Soleimani, I. & Khosraviyan, B. (2016). The Effect of Group Therapy on Marital Satisfaction and Psychological Well-being of Spouses. *Semi-annual Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 2(22), 19-1.